

Architecture: from time of mind to time of nature

• نویسنده: اِتوره روکا • مجلهٔ تخنه (TECHNE) • شمارهٔ ۲۰، ۲۰۲۰

• مورونویس: فائزه طاهری • DOI: <https://doi.org/10.13128/techne-9757>

◀ معماری به مثابهٔ یک ساعت شنی بزرگ که گذر زمان را به نمایش می‌گذارد، همواره در پی ثبت و ضبط لحظه‌ها بوده است. شهر به عنوان صحنه‌ای برگزیده برای این نمایش، گواهی است بر این مدعا که زمان انسانی هرگز با یکنواختی بی‌رحم یا تقسیمات ثابتِ زمان هم‌خوانی ندارد. معماری در مرز بین هنر و علم، همچون پلی میان گذشته و آینده، با گذر زمان به گفت‌وگو می‌نشیند و دوره‌ها، سلیقه‌ها و آرمان‌ها را رقم می‌زند. واقعیت نیازمند اندازه‌گیری‌هایی متناسب با تغییرپذیری ضرب‌هنگ خود است و مرزهایی با مناطق حاشیه‌ای گسترده می‌طلبد. تنها از طریق این انعطاف‌پذیری است که تاریخ می‌تواند طبقه‌بندی‌های خود را آن‌طور که برگسون



می‌گوید، «(با خطوط واقعی واقعیت) تطبیق دهد؛ هدفی که به درستی هدف نهایی هر علمی است. رابطهٔ ما با زمان، متمایز و وابسته به متغیرهای مرتبط با رشته و به صورت شخصی است. دیدگاه و ادراک واحدی از زمان امکان‌پذیر نیست. تنها کافی است به روابط متفاوتی فکر کنیم که فیلسوفان و ورزشکاران، فیزیکدانان و شاعران، معلمان و دانش‌آموزان با آن برقرار می‌کنند. معماری، هم‌زمان به عنوان یک شیء و به عنوان یک عنصر واحد متعلق به یک مجموعه متولد می‌شود، زندگی می‌کند و اغلب بر اساس رابطهٔ متفاوتی که با ارزش زمان دارد، از بین می‌رود. گاهی اوقات زمان به عنوان چالشی برای گرایش به سوی مطلق فرض می‌شود و گاهی دیگر به عنوان شاخصی از توانایی برنامه‌ریزی زمان‌بندی شده.

در این متن دو زمان بررسی می‌شود: زمان ذهن انسان و زمان طبیعت. انسان همواره در تلاش است تا بین این دو زمان تعادل ایجاد کند. ما به زمان طبیعت معنای انسانی می‌دهیم و آثار هنری را خلق می‌کنیم. این آثار در تلاش برای بازگرداندن زمان طبیعت به زمان ذهن‌اند. زیمل معتقد است که معماری تنها هنری است که در آن ارادهٔ روح و ضرورت طبیعت به صلح می‌رسند. این تعادل با فروریختن بنا از بین می‌رود و زمان طبیعت مالک زمان انسانی می‌شود. معماری طبیعی‌ترین و غیرانسانی‌ترین هنر است و چرخش به سوی طبیعت در معماری، درک ماهیت همیشگی آن است. ■

Cities are a product of time

• نویسنده: استفانو دیلا توروا • مجلهٔ تخنه (TECHNE) • شمارهٔ ۲۰، ۲۰۲۰
 • مرورنویس: فائزه طاهری • DOI: <https://doi.org/10.13128/techne-9759>

◀ لوئیس مامفورد^۱ با این جمله که «شهرها محصول زمان هستند»، سفری ژرف را به رابطهٔ پیچیدهٔ فضاهای شهری و تجربهٔ انسانی آغاز می‌کند. او معتقد است شهرها همچون قالب‌هایی عمر ساکنان خود را شکل می‌دهند و حضوری ملموس و کم‌وبیش یادمانی ایجاد می‌کنند. این استعاره اما تنشی عمیق‌تر را آشکار می‌سازد. با اینکه شهر به‌عنوان قالب، نیروی جبری را نشان می‌دهد، مامفورد تأکید می‌کند که شهرها محصول زندگی‌اند و در طول زمان تکامل می‌یابند. این زمان «سازنده» برخلاف کرونوسی ویرانگر یا نیروی کاهنده‌ای که یورسنار^۲ توصیف می‌کند، از طریق افزودن عمل می‌کند و فضاهای شهری را از طریق تعامل ساختار و تجربهٔ زیسته شکل می‌دهد. شهر از این‌رو، انباشتی لایه‌بندی‌شده از زمان می‌شود که ساختمان‌ها و یادمان‌ها لایه‌های تاریخ را تجسم می‌بخشند و هم تعامل و هم تضاد را برمی‌انگیزند. مفهوم مامفورد تصور یک شکل شهری ایستا و کامل را به چالش می‌کشد و در عوض شهر را به‌عنوان موجودیتی پویا و در حال تکامل می‌پذیرد که ما را تشویق می‌کند تا از تفسیرهای سطحی فراتر برویم و شهر را به‌عنوان محصول «شدن ارگانیک» بشناسیم. ■



Where do ideas come from

• نویسنده: لورنزو مآتئولی^۴ • مجلهٔ تخنه (TECHNE) • شمارهٔ ۲۰، ۲۰۲۰
 • مرورنویس: فائزه طاهری • DOI: <https://doi.org/10.13128/techne-9762>

◀ این مقاله به بررسی رابطهٔ پیچیدهٔ انسان با زمان، به‌ویژه در حوزهٔ معماری و طراحی شهری می‌پردازد و با اشاره به نبود حسگرهای مشخص برای درک زمان، به نقش بدن و تجربیات زیسته در ثبت و درک آن اشاره می‌کند. با توجه به نبود حسگرهای درونی برای سنجش زمان، انسان ابزارهای مختلفی را برای اندازه‌گیری زمان نجومی اختراع کرده است، اما زمان معماری، فراتر از زمان نجومی، با مفاهیمی مانند تاریخ، فرهنگ، اقتصاد و سیاست گره خورده است. نویسنده با اشاره به تعریف گسترده‌ای از معماری، به نقش آن در شکل‌دهی به محیط انسان‌ساخت و تأثیر آن بر زندگی روزمره می‌پردازد. ■



۱. Stefano Della Torre
 ۲. Lewis Mumford (1895-1990)
 ۳. Marguerite Yourcenar (1903-1987)
 ۴. Lorenzo Matteoli

The times of construction

- نویسنده: لورنزو پلئیکینی • مجلهٔ تخنه (TECHNE) • شمارهٔ ۲۰، ۲۰۲۰
- مرورنویس: فائزه طاهری • DOI: <https://doi.org/10.13128/techne-9763>

◀ در این مقاله به بررسی مفهوم زمان در معماری از سه منظر کلیدی پرداخته می‌شود: عمر بناها به‌عنوان تجلی گذر زمان و ثبت تاریخ در فضای شهری، رابطهٔ بین تفکر فنی و تغییرات اجتماعی و طول فرایندهای مجوزدهی که زمان را به‌عنوان عاملی محدودکننده در اجرای پروژه‌های ساختمانی مطرح می‌کند. نویسنده با تأکید بر ماندگاری آثار معماری، نشان می‌دهد که بناها نه‌تنها فضایی برای زندگی، بلکه حاملان تاریخ و هویت جمعی هستند.

او به چالش‌های پیش‌روی بازسازی شهری و لزوم توجه به گذشته در طراحی‌های معاصر اشاره می‌کند و به‌طورکلی با بررسی ابعاد مختلف زمان در معماری نشان می‌دهد که زمان نه‌تنها عاملی فیزیکی، بلکه مفهومی پیچیده و چندوجهی است که تأثیر عمیقی بر طراحی و ساخت فضاهای شهری دارد. ■



Time and Architecture

- نویسنده: ماسیمو لوریا، ریچاردو پولو • مجلهٔ تخنه (TECHNE) • شمارهٔ ۲۰، ۲۰۲۰
- مرورنویس: فائزه طاهری • DOI: <https://doi.org/10.13128/techne-9756>

◀ واژهٔ ایتالیایی «تِمپو» (Tempo) گستره‌ای از معانی را در بر دارد؛ از سیر تاریخی تا شرایط جوی. این غنای زبانی پیچیدگی مفهوم زمان را بازتاب می‌دهد؛ مفهومی که از زمان خطی نیوتنی تا نسبیت کوانتومی، ذهن اندیشمندان را مشغول کرده است.

زمان در معماری عنصری بنیادی است؛ آثار معماری به دنبال جاودانگی، دوگانگی ثبات و تغییر را ایجاد می‌کنند. شهر خود قالیچه‌ای از جنس زمان است که با بناهای تاریخی و ضرباهنگ زندگی شهری بافته شده است. در طی همه‌گیری کرونا درک ما از زمان تغییر یافت و پیوستگی فضا و زمان را بیشتر نمایان ساخت. ■

